

هویت ایرانی در ادبیات عاشورا؛ بررسی عناصر هویتی ایرانی در ادبیات مرثیه آذربایجان و آران

رحیم نیکبخت*

چکیده:

از مشخصات هویت ملی شکل گرفته ایرانیان، می‌توان دو دسته از عناصر را برشمرد که قسمتی متعلق به ایران و گذشته تاریخی آن است و بخش دیگر به اسلام و ویژگی‌های مذهبی آن باز می‌گردد. از ورود اسلام به ایران تا رسمیت مذهب شیعه در دوره صفوی و تشکیل دولت ملی گسترده شده در مرزهای تاریخی ایران قبل از اسلام نه قرن طول کشید. طی این دوره امتزاجی ظریف، دقیق و جدانشدنی بین اسلام و مردم و فرهنگ ایرانی به وجود آمد که حاصل آن هویت ملی بود. در دوره جدید تاریخ ایران که با رسمیت مذهب شیعه توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ قمری آغاز می‌شود، سوگواری سالار شهیدان هم به لحاظ شکل و ظاهر و هم کیفیت و محتوا بخشی از نماد و سمبل هویت ایرانی می‌گردد. این مقاله فتح بابی است برای بررسی ادبیات مرثیه ترکی از منظر هویت ملی و ویژگی‌های ایرانی این گنجینه ارزشمند ادبی، هنری و فرهنگی.

کلید واژه

هویت ایرانی، مرثیه، عاشورا، آذربایجان، آران و سوگواری.

* مدیر بخش تدوین مرکز اسناد انقلاب اسلامی و پژوهشگر تاریخ آذربایجان

مقدمه

مرثیه و سوگواری برای عزیزان از دست رفته قدمتی دیرین دارد. گریستن برمرده، ذکر محامد وی؛ نوحه‌سرایی را مرثیه معنی کرده‌اند. (معین، ج ۳، ۱۳۷۱: ۳۹۹۴) در تاریخ ایران قبل از اسلام، داستان سیاوش و سرنوشت غم‌انگیز آن مورد قابل توجه در جایگاه مرثیه در هویت ملی ایران قبل از اسلام است.* پس از فتح ایران به دست مسلمانان اندک اندک ایرانیان به اسلام گرویدند و هویت‌یابی ایرانیان در نزدیکی به اسلام و سرچشمه‌های اصیل آن یعنی اهل بیت پیامبر (ع) در مقاطع مختلف تاریخ ایران قابل مشاهده است که شامل عموم ایرانیان می‌گردد.^۱ بر همین اساس، علاقه ایرانیان اهل سنت کمتر از شیعیان به خاندان پیامبر نبود و این علاقه به میزانی بود که شاه اسماعیل صفوی و اهل اختصاص وی را بر آن داشت در اقدامی سرنوشت‌ساز با اعلام رسمیت مذهب شیعه در تبریز مرزهای هویتی ایران را از هویت‌های غیر از جمله عثمانی متمایز سازد.^۲

آل بویه نخستین خاندانی هستند که عزاداری سالار شهیدان و شهدای کربلا را مرسوم ساختند. ضمن آنکه آغاز مرثیه‌سرایی برای شهدای کربلا از همان سال ۶۱ هجری آغاز گردید.^۳ علی‌رغم این پیشینه در پی رسمیت شیعه در ایران، عزاداری و سوگواری سالار شهیدان علاوه بر جنبه مذهبی شیعی دارای نماد و سمبل هویت ملی هم گردید، گرچه روح ایرانی را در اقدام آل بویه شیعی مذهب

می‌توان دید. با این تفاوت که دولت ایشان مستعجل بود. آنچه در ادامه ارائه می‌گردد، طرح اولیه مباحثی بنیادی از تاریخ، فرهنگ و هویت اصیل ایرانی آذربایجان است که زمینه را برای بحث و انکشاف مطالب تازه‌تری هموار می‌سازد.

۱- آذربایجان و رسمیت مذهب شیعه و زبان آذری

آذربایجان ضمن آنکه در تاریخ ایران قبل از اسلام از جایگاه مهم و ارجمند مذهبی برخوردار بود، در دوران اسلامی به‌ویژه بعد از یورش مغول اهمیت قبلی خود را بازیافت. آذربایجان، آران و آناطولی قرن هفتم، هشتم و نهم دوره فعالیت تصوف عامیانه با تعلقات و گرایش‌های علوی بود.^۴ گرایش به تشیع علاوه بر عشایر ترک زبان در میان دیوان‌سالاران و اندیشمندان، علما و فقهای آذربایجان هم وجود داشت. سفینه تبریز که دو قرن قبل از رسمیت تشیع توسط شاه اسماعیل تدوین و نگارش یافته بود، گواه مستندی از این گرایش است.^۵ (سفینه تبریز، ۱۳۸۱).

همزمان با تغییراتی که از منظر مذهبی و گرایش روزافزون به تشیع در حال وقوع و بروز بود شاهد تحولی دیگر در گویش و زبان گفتاری مردم آذربایجان و آران از فهلوی یا آذری قدیم به آذری جدید هستیم. این تغییر زبان گفتاری مردم از قرن هشتم و نهم آغاز گردید و در قرون بعد با ورود عشایر ترک زبان بیشتر تشدید شد و در قرن یازدهم و دوازدهم

است و مطربان آن سرودها را کین سیاوش گویند و محمد بن جعفر آنرشی مؤلف اصلی تاریخ بخارا] گوید که از این تاریخ سه هزار سال است. (صفا، ۱۳۶۹، ۸۶-۸۷).

* در تاریخ بخارا آمده است: «مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست چنانکه در همه ولایت‌ها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گویند...» در جای دیگر «اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجیب

تا پیش از تصرف آران- قفقازیه جنوبی- به دست ارتش سرخ این تداوم فرهنگی و ادبی را در آن سامان می‌توانیم مشاهده کنیم. از این پس سیاست‌های قبلی تزارها در قطع ارتباط فرهنگی مذهبی و تاریخی آران با مام میهن- ایران- با شدت هرچه بیشتر و خشونت بی‌حد و حصر ادامه یافت. در نتیجه این سیاست و خشونت اکنون در گنجه که روزگاری زادگاه شاعران پارسی‌گوی بسیاری بوده است نه تنها شاعری سرشناس به عرصه نیامده است کسی هم قادر به مطالعه اشعار نظامی، خاقانی، مهستی و... نیست.

۲- ادبیات مرثیه شیعی در آذربایجان و آران

مرثیه سالار شهیدان در آذربایجان به روزگار صفویه باز می‌گردد. سوگواری سالار شهیدان را در سه شکل: مجالس سوگواری و روضه‌خوانی* در تکایا و مساجد؛ تعزیه؛ به راه انداختن دستجات سینه‌زنی و زنجیرزنی پدیدار گشت. بدیهی است تفصیل و کیفیتی که در اواخر روزگار صفویه در سوگواری وجود داشته در اوایل چنان نباشد. ناگفته نماند از قرون قبل منقبت‌سرایان که در معابر و اماکن پرتردد به منقبت‌سرایایی اهل بیت (ع) و به‌ویژه امام علی علیه‌السلام می‌پرداختند، وجود داشته است. در عصر صفوی علاوه بر ایشان، مرثیه‌خوان‌ها یا روضه‌خوان‌ها و نوحه‌خوان‌ها هم به ایفای نقش خود در مجالس می‌پرداختند.

هجری تکمیل گردید. قرن سیزدهم هجری قمری اوج شکوفایی ادبیات آذری به‌ویژه در مرثیه‌سرایایی ترکی است. البته این تغییر گویش مردم به معنی تغییر فرهنگ و هویت نبوده و نیست، بلکه در آذربایجان و در بستر فرهنگی مستعد و شکوفای شعر و ادب فارسی، ادبیات ترکی آذری متولد گردید که مشخصات آن کاملاً ایرانی و اسلامی است. مهم‌ترین عامل از میان رفتن نسبی گویش آذری قدیم- فهلوی- در آذربایجان و آران نداشتن کاربرد مذهبی یا سیاسی آن بود. با وجود زبان رسمی و همگانی فارسی کاربرد اداری و ادبی هم نداشت و در عوض عامل نضج و گسترش آذری جدید- ترکی- پیوند آن با مذهب شیعه می‌باشد، ضمن آنکه گویش سیاسی هم بود. علی‌رغم این روند، گویش آذری قدیم یا فهلوی به کلی از میان نرفته است. در نواحی دوردست آران- جمهوری فعلی آذربایجان و برخی مناطق در ایران چون اطراف اردبیل و زنجان گونه‌هایی از گویش فهلوی باقی مانده است. پس از رواج آذری جدید در دوره‌های بعد در کانون‌های فرهنگی آذربایجان و آران ادبیات مکتوب آن هم تولید گردید. از قرن دهم هجری به بعد در آذربایجان و آران شاهد خلق آثار ادبی به دو زبان محلی و ملی هستیم. تمامی شاعران آذری و آرانی علاوه بر گویش محلی خود- آذری جدید یا ترکی آذری- در زبان ملی و همگانی ایرانیان یعنی فارسی به سرودن شعر مبادرت کرده‌اند.^۶

۱۳۸۵، ۸۴۴). این اثر در میان ترک‌زبانان علاقمند به اهل بیت مورد توجه قرار گرفت و چند ترجمه از آن به ترکی وجود دارد که مهم‌ترین آن متعلق به محمد فضولی، شاعر سه زبانه قرن دهم هجری هم‌عصر شاه اسماعیل صفوی به نام «حقیقه‌السعداء» است.

* اصطلاح روضه‌خوانی به قرائت کتاب روضه‌الشهدا اثر ملاحسین کاشفی توسط مرثیه‌خوان‌ها بر روی منابر بازمی‌گردد. استاد جعفریان در مورد کاشفی نوشته است وی با نگارش این کتاب «... نشان داد که سنت عزاداری برای امام حسین (ع) در ادب فارسی جایگاه بلندی داشته و پیش از عصر صفوی این سنت در میان سنی شیعه‌های ایرانی رواج کامل داشته است (جعفریان،

اولین نمونه‌های شعر مرثیه آذری در قرن دهم هجری قمری سروده شد. محمد فضولی اولین ترکیب‌بند مرثیه را در رثای سالار شهیدان سروده است. فضولی علاوه بر قصیده‌سرایی در نعت اهل بیت (ع) روضه‌الشهداء ملاحظین کاشفی را به نام «حدیقه‌السعدا» با اضافاتی به ترکی آذری برگردانده است. (فضولی، ۱۳۷۳) بندی از ترکیب‌بند مرثیه فضولی بغدادی چنین است:

تدبیر قتل آل عبا قیلدون ای فلک
فکر غلط خیال خطا قیلدون ای فلک
و نیز در جایی دیگر گفته است:

ای درد پرور الم کربلا حسین (ع)
وی کربلا بلا لرینه مبتلا حسین (ع)
(فضولی، بی تا: ۱۳۸)

۳- عرق مذهبی و هویت ملی

موضوع مهمی که در تحولات آذربایجان و آران نباید نادیده گرفت همجواری با عثمانی است. به‌ویژه آنکه این امپراتوری در حال توسعه و یکسان‌سازی فرهنگی نواحی اطراف خود بود و مهم‌تر از آن در جوار خود تحولی مهم اتفاق افتاده و مذهب شیعه رسمیت یافته بود در حالی که بخشی از جنگ‌جویان آن از عشایر علوی ترک‌زبان آناتولی تأمین می‌شد. از این رو، آذربایجان و آران محل تلاقی و مواجهه دو هویت متمایز شد: لشکرکشی‌های متعدد و قتل

و غارت مداوم که عثمانی‌ها تا سال‌های پایانی عمر خود در آذربایجان داشته‌اند - علی‌رغم هم‌زبانی - از هویت رقیب شیعی که بخشی از هویت ایران مستقل شده بود نشأت می‌گرفت. با توجه به این موضوع، زنده نگاه داشتن عرق مذهبی و ملی در آذربایجان و آران برای حفظ تمامیت ارضی و دفاع از هویت ملی ضرورت انکارناپذیری داشت و در این میان مرثیه و سوگواری سالار شهیدان نقش مهمی ایفا می‌کرد. با مقایسه در کیفیت و کمیت ادبیات مرثیه و مراسم‌های عزاداری در آذربایجان و سایر نواحی جایگاه برتر آن در آذربایجان را می‌توان دید. از سوی دیگر، حضور و تهاجم مداوم اشغالگران آن هم با هویت مذهبی بیگانه روحیه ملی و عزم عمومی برای مقابله با سلطه خارجی را در آذربایجان همواره زنده نگاه می‌داشت و بین این دو، یعنی تهاجم خارجی و تقویت عرق مذهبی از طریق ادبیات مرثیه ارتباط مستقیمی وجود داشته است. پرننگ بودن عرق مذهبی در این نواحی و به تبع آن پیوند مذهب مردم با مذهب دولت شیعی صفوی به صورت طبیعی به ایجاد، تقویت و استحکام هویت ملی و ایرانی می‌پرداخت. به عبارت دیگر، عرق مذهبی روی دیگر سکه عرق ملی و دو لبه شمشیر هویت ایرانی گردید.

دو اولین شعرای آذربایجان و آران گواه روشن واقعیت فوق است تا جایی که می‌توان ادعا کرد: بیش از ۷۰ درصد ادبیات مکتوب آذری جدید را مرثیه‌های سالار شهیدان و

نمود بیرونی و تجلی ادبیات مرثیه ترکی است. ضمن اینکه به لحاظ محتوایی هم روح ایرانی در ادبیات آذری کاملاً آشکار است و از این سه منظر به ارائه یافته‌های موجود می‌پردازیم:

۴-۱- قالب‌ها

در نگاه اول، اولین جلوه هویت ایرانی در ادبیات مرثیه آذری کثرت لغات، اصطلاحات و واژگان فارسی در این ادبیات است تا جایی که در برخی موارد اغلب کلمات اشعار فارسی بوده که در ساختار دستوری آذری جدید با افعال ترکی انسجام یافته‌اند. در نمونه‌ای که از اولین ترکیب‌بند مرثیه ترکی از فضولی بغدادی ملاحظه شد، شاهد گویایی برای این واقعیت است.

نظر به اینکه ادبیات آذری جدید در دامن فرهنگ و ادب فارسی متولد شده است بدون استثناء تمامی قالب‌های شعری رایج در شعر و مرثیه‌سرایی فارسی مورد استفاده‌ی شعرای آذربایجان و آران قرار گرفته است. نمونه‌های جالبی از شعر و ادب ایرانی در قرن سیزدهم هجری در قره‌باغ در تذکره‌ای گزارش شده است که هم جایگاه زبان ملی و پدری ایرانیان یعنی شعر فارسی در این خطه ایرانی را نشان می‌دهد و هم نمونه‌هایی از مرثیه‌های آذری ارائه داده است که در همان قالب‌های شعری ادب فارسی است (مجتهدزاده قربانی، ۱۳۷۳). علاوه بر قالب‌ها، اوزان عروضی اشعار مرثیه آذری نیز همان اوزان عروضی شعر فارسی است که با تقطیع و مقایسه اشعار مرثیه آذری و فارسی این هم‌سانی و پیوند روشن می‌گردد. مورد جالب توجه که برای تبیین بیشتر موضوع

شهدای کربلا تشکیل می‌دهد. اغلب شعرای آذری علاوه بر غزلیات فارسی و ترکی بخشی از دیوان خود را به مرثیه اختصاص داده‌اند. ضمن آنکه برخی فقط در مرثیه‌سرایی طبع خود را آزموده و شهرت یافته‌اند، چون دخیل مراغه‌ای و قمری دربندی و شعاعی دربندی، صراف تبریزی، صافی، راجی، دلریش، پرغم و واقف سرابی، بیضا، منعم، انور، منزوی و...

۴- هویت ایرانی در ادبیات مرثیه آذری

مباحث فوق درآمد و ذکر مقدمات برای بررسی ویژگی‌های ادبیات مرثیه آذری بود که شامل مباحث متعدد و متنوعی می‌گردد.

«... واقعه کربلا از لحاظ تنوع موضوعات حادثه‌ای قابل توجه است. شعرای نوحه‌سرای آذربایجان از صحنه‌های مختلف آن استفاده کرده، نوحه‌های ممتاز و مؤثری و ادبی سروده‌اند. محبت پدری، پسری، مادری، برادری و خواهری را خوب تشریح و توصیف نموده‌اند آثار قابل ملاحظه در این قسمت از خود به یادگار گذاشته‌اند» (مجتهدی، ۱۳۲۷: ۱۰۹).

ادبیات عاشورایی آذری هم از نظر ساختار ادبی و صنایع شعری و هم از نظر چگونگی جلوه در اجتماع- یعنی هم قالب‌های ادبی ادبیات مرثیه و هم نحوه استفاده در مجالس- قابل بررسی است. در قسمت نخست قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، نوحه، بحر طویل و قالب‌های شعری مورد استفاده بوده و در قسمت دوم مجالس مرثیه‌خوانی، نوحه‌خوانی (سینه‌زنی و زنجیرزنی) و شبیه‌خوانی یا تعزیه

می‌توان ارائه داد، قالب بحر طویل است. به این دو گزیده فارسی و آذری توجه کنید.

«... دید چون خامس اصحاب کسا، قدوهی اولاد رسول دوسرا، سرو سر خیل تمام شهدا، خسرو مظلوم و جگر تشنه، حسین کفر جهانگیر شده، کرد علم قدرسا...» (صامت بروجردی، بی‌تا: ۱۰)

یحیوی اردبیلی، (متوفی به سال ۱۳۵۸ هـ.ش):
«حسین سرور بطی، حسین نعمت عظماء،

حسین دین ایدوب احیا، حسین سیزکی
آچیلماز در جنت الاعلی، حضور حقه معراج
ایدوب صاحب رفر، کلیمه متکلم قیلوب
کشف آن اعرَف... حسین شاه شهیدان، حسین
جان ویروب عطشان، حسین شافع عصیان...
حسین عبد یگانه، حسین باب خزانه، حسین
صاحب خانه، بشر پی آپارانماز بو اسرار نهانه
(یحیوی اردبیلی، بی‌تا: ۱۱۳-۱۱۴)

در بحر طویل مرحوم یحیوی تاج‌الشعرای
اردبیل کلمات مشخص شده آذری هستند:

«ایدوب: نموده؛ حسین سیزکی آچیلماز:
بی‌حسین که باز نمی‌شود؛ قیلوب: نموده،
ویروب: داده و پی آپارانماز بو اسرار نهانه:
نمی‌تواند به اسرار نهان پی ببرد» و یا نوحه
دیگر از مرحوم یحیوی:

علمدار دلاور، سپهدار مظفر، کمر بسته
حیدر، او ضرغام غضیناک، ابوالفضل هنرور
وفا شهرتی واردور، وفادار حسین دور بیوک
منصبی واردور... (همان: ۶۱)

و یا این دو نوحه را با هم مقایسه کنید:
صراف تبریزی*:

ای نور عینم منزل مبارک
بی کس حسینم منزل مبارک (صراف
تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۰۶)

جوهری قمی:

سر از تن جدا منزل مبارک
شهید نینوا منزل مبارک (جوهری،
۱۳۳۲: ۱۴۴)

بسیاری از نوحه‌های آذری برگردان
نوحه‌های مرثیه فارسی است ضمن اینکه
نباید فراموش کرد بسیاری از مرثیه‌سرایان
آذری، مرثیه‌های فارسی هم می‌سروده‌اند که از
شهرت و اعتبار بالایی برخوردار هستند. از جمله
می‌توان به حجة‌الاسلام نیر تبریزی اشاره کرد
که قسمت اعظم اشعارش مرثیه فارسی است.
(نیر، ۱۳۶۴) مرحوم حسینی سعدی زمان
تبریزی، مرحوم سید حسین کهنمویی، استاد
شهریار، مرحوم منزوی اردبیلی، مرحوم انور
اردبیلی، مرحوم استاد عابد** و در متأخرین
استاد کلامی زنجانی یاد نمود. بسیاری از اشعار
مرثیه فارسی مرحوم سید حسین کهنمویی
(پدر ادبیات مقاومت شیعی آذربایجان در دوره
پهلوی، متوفی به سال ۱۳۵۴) در اقصی‌نقاط
ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۲- اجرا (مرثیه‌خوانی، نوحه‌خوانی، تعزیه)

شعر و ادبیاتی که با چنین قالب و ظاهری
سروده می‌شد در مرحله بعد باید به جامعه
عرضه شود که در سه شکل مرثیه‌خوانی،
نوحه‌خوانی (سینه‌زنی و زنجیرزنی) و تعزیه به

* استاد محمّد عابد تبریزی فرزند مرحوم مولانا یتیم تبریزی از مرثیه‌سرایان
سترگ آذربایجان مرثیه‌های گران‌مرثیه‌ای به فارسی و آذری در سوگ سالار
شهیدان سروده که شهرت فراوان کشوری دارد. استاد عابد در آذر ماه ۱۳۸۵
رخ در خاک تیره نهان کرد.

* صراف تبریزی (۱۲۷۱ ق- ۱۳۲۵ ق) از جمله شعرای مرثیه‌سرای بزرگ
آذربایجان که غزلیات او از برترین غزلیات آذری بوده و وی را سعدی در غزل
ترکی آذری می‌دانند. مرثی وی علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن از وفاتش در
اقصی‌نقاط آذربایجان و آران- جمهوری فعلی آذربایجان- مورد توجه و استفاده
مردم و نوحه‌خوان‌ها می‌باشد.

سینه می‌باشد.

در تعزیه و تعزیه‌خوانی آذری جلوه‌های هویت ایرانی به مراتب روشن‌تر و واضح‌تر است. تعزیه ارتباط تنگاتنگی با موسیقی سنتی ایرانی و دستگاه‌های آن دارد. (مسعودیه، ۱۳۶۷)

«ضمن اینکه مردم ایران در دوره اسلامی که عصر نیایش قهرمانان اسطوره‌ای پایان یافته بود و حماسه قهرمانی‌های حسین (ع) و مصائب و آلام او در عاشورای کربلا بر ذهنیت جامعه پرتو می‌افکند، مردم این شخصیت تاریخ تشیع را به یک شخصیت ازلی و اسطوره‌ای برازنده او تبدیل کردند و سوک و مصائب او را همچون سیاوش، قهرمان اسطوره‌ای به نمایش درآوردند.» (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳: ۵۰)

متون مورد استفاده در تعزیه آذری تا دو دهه قبل اغلب اشعار قمری دربندی صاحب کنزالمصائب، شعاعی دربندی و دخیل مراغه‌ای بودند که از شعرای مرثیه‌سرای قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری می‌باشند. در قرن سیزدهم دربند همچنان که در ایران قبل از اسلام مرز ایران و انیران بود علی‌رغم جدایی آران به قوه قهریه از مام میهن تا مدت‌ها کانون فعال و پرتحرک شعر و ادب شیعی در قفقاز بود. وجود نویسندگانی مثل ملا آقا فاضل دربندی (بامداد، ج ۵، ۱۳۷۱: ۲۹۸-۲۹۵) و شعرای مرثیه‌سرای چون شعاعی و قمری حکایت از تعصب و هویت ایرانی آن سامان دارد.

۴-۳ - محتوا

ادبیات مرثیه آذری علاوه بر دو مبحث پیش گفته مشخصات محتوایی کاملاً روشن

جامعه عرضه می‌گردید.

۱- اشعار مرثیه‌خوانی همچنان که در موضوع قالب اشاره شد براساس اوزان عروضی سروده شده‌اند و اوزان عروضی با دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی ارتباط جداناشدنی دارد و مرثیه‌خوان‌ها براساس اوزان عروضی مرثیه‌ها در دستگاه‌های متناسب به مرثیه‌خوانی مبادرت می‌کردند. همچنان که در دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی شروع و آغاز آواز با مقدمات و سپس اوج و فرود و گوشه‌های متعدد و متنوع ادامه و پایان می‌یابد. مرثیه‌خوانی آذری هم که براساس دستگاه‌های موسیقی - به‌ویژه محزون و حماسی - است اجرا می‌گردد. در برنامه‌های مداحان مشهور آذری، استاد سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی، استاد محمدباقر تمدنی و استاد حاج داود علیزاده می‌توان این اجرای دستگاه‌ها را به خوبی مشاهده کرد. براساس استفاده از دستگاه‌های موسیقی سنتی است که اغلب مرثیه‌سرایی آذری مورد توجه غیر آذری زبانان واقع می‌شود. مجلس مرثیه‌ای که استاد داود علیزاده با عنوان مصیبت یتیم با اشعار مرحوم حاج انور اردبیلی اجرا کرده غیرممکن است شنونده را متأثر نسازد.

علاوه بر مرثیه‌خوانی؛ این پیوند دستگاه‌های موسیقی سنتی و ادبیات عاشورایی در نوحه‌خوانی (سینه‌زنی و زنجیرزنی) هم وجود دارد. به عبارت بهتر، هیچ مداح آذری زبان بدون آشنایی با دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی سنتی نمی‌تواند مداح موفقی باشد. البته نحوه آشنایی اغلب به صورت سینه به

و آشکاری از هویت ایرانی را دارا می‌باشد. نکته‌ای که نباید در بررسی محتوایی مرثیه فراموش کرد مردمی و عامیانه بودن قسمت عمده آن است که تجلی افکار عقاید و باورهای عامیانه مردمی می‌باشد و پرواضح است داده‌های مرثیه لزوماً به معنی صحت و درستی مطلب روایت شده نیست. منتهی همین روایات عامیانه مبین و روشنگر هویت و باور تاریخی مردمان این سرزمین است که ارزشمند و گرانقدر می‌باشد.

۵- شهربانو: پیوند ایران و اهل بیت

از جمله موضوعات مهم در ادبیات مرثیه آذری جایگاه شهربانو در این ادبیات است. بررسی صحت و سقم روایت وجود شهربانو در کربلا خارج از موضوع این بحث می‌باشد، ولی وجود و تأکید بسیار بر این روایت در دواوین شعرای مرثیه‌سرای آذری ضمن آنکه گویای پیوند خونی و نژادی ایرانیان و اهل بیت پیامبر (ص) است، حکایت از هویت ملی واحد در آذربایجان و سراسر ایران دارد (افتخارزاده، ۱۳۷۷: ۱۵۵ به بعد).

راه یافتن روایتی به این گستردگی در ادبیات مرثیه آذری از یک راه عمده صورت گرفته است. وجود این روایات در میان مردم این سامان قبل رواج یافتن آذری جدید- ترکی آذری- که دست‌آورد شعوبیه ایران بود به آذری برگردانده شده است. نکته ظریفی در بررسی این موضوع آشکار می‌گردد آنکه تغییر زبان گفتاری مردم آذربایجان و آران از

فهلوی به ترکی آذری به هیچ‌وجه به تغییر هویت ایشان از ایرانی به غیرایرانی نبوده و نیست. عشایر ترک زبانی که به ایران وارد و در نواحی مستعد ساکن می‌شدند در قبال رواج زبان گفتاری خود فرهنگ و تمدن اصلی را اخذ می‌کردند نه تنها هویت جدیدی را ارائه نمی‌دادند، بلکه در هویت ایرانی حل می‌شدند. روایت شهربانو حکایت‌گر این واقعیت مهم است که آذری و آرانی گرچه زبان گویش گذشته خود- فهلوی آذری قدیم- را کنار گذاشته است، لیکن هویت اصیلی که ایرانیان در نزدیکی به خاندان پیامبر به دنبال آن بوده‌اند را با قدرت هرچه تمام‌تر گرفته و رفته رفته تقویت کرده‌اند. در این روایت، شهربانو نماد هویت تاریخی ایرانی مردم ایران است و امام حسین (ع) نماد اسلامیت آن و حاصل پیوند این دو هویت ملی مردم این سامان است.

علاوه بر داستان شهربانو مباحث دیگری در ادبیات مرثیه آذری وجود دارد که روح ایرانی در آن متجلی است از جمله شهادت علی‌اکبر، حضرت قاسم. با دقت و بررسی مرثیه‌های آذری که در مورد تک تک قهرمانان قیام عاشورا می‌توان اندیشه و دورنمای فرهنگی هویتی ایرانی را بازشناخت. روایت مردمی شهادت علی‌اکبر (ع) همسانی‌هایی با داستان سیاوش دارد.

قهرمان‌دوستی و قهرمان‌ستایی از دیگر مشخصات هویت تاریخی ایرانیان است

پی نوشت:

- که در روایت‌های شاهنامه به کرات به آن برمی‌خوریم. این مشخصه هویتی را در ادبیات مرثیه عاشورایی در نقش و جایگاه حضرت عباس (ع) می‌توان مشاهده کرد. در مرثیه آذری حضرت عباس به عنوان مظهر شجاعت، شهامت، دلیری و جوانمردی بخش قابل توجهی از ادبیات را به خود اختصاص داده است. در این ایده‌آل‌یابی هویتی ایرانیان قبل از پیدایش ادبیات عاشورایی آذری با صورت و سیمای مولای متقیان، علی (ع) و لقب وی - شیر خدا - مواجه می‌گردیم. اگر بخواهیم سیری بر تطبیق هویت ایرانی و اسلامی قابل شویم نخست پیامبر اسلام (ص) سپس امامان شیعه و سپس امام حسین (ع) و شهدای کربلا به تدریج وارد گردونه هویتی آذری‌ها براساس هویت تاریخی ایرانی گردیدند، بدون تردید اعتقاد اصالت خون و نژاد ایرانیان قبل از اسلام در پذیرش مولای متقیان و امامان شیعه به عنوان جانشینان پیامبر (ص) نقش مؤثری داشته است.
- ۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: استاد مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۵۹.
 - ۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۵.
 - ۳- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: صادق آینه‌وند، ادبیات انقلاب در شیعه، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
 - ۴- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: - محمد رضایی، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
 - افسری کرمانی، عبدالرضا، نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
 - کوهی کرمانی، حسین، سوگواری‌های ادبی در ایران، سوگواری‌های ملی و سوگواری‌های مذهبی، تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۳.
 - ۵- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: - آذربایجان در تاریخ و فرهنگ ایران (مجموعه مقالات) به کوشش رحیم نیکبخت، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، زیر چاپ، مقاله «سقیته تبریز و رسمیت مذهب شیعه در ایران» به قلم خانم منیژه صدقی.
 - ۶- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: عزیز دولت‌آبادی، پارسی‌سرایان قفقاز، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۲- فضولی بغدادی، حدیقه‌السعدا، به تصحیح میرصالح حسینی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۳.
- ۱۳- فضولی بغدادی، کلیات دیوان هفت جلدی، تبریز: کتابفروشی فردوسی، بی‌تا.
- ۱۴- قمری دربندی، کنز المصائب، نجف اشرف، بی‌تا.
- ۱۵- مجتهدزاده قره‌باغی، میرزا صدرا، ریاض‌العاشقین، به کوشش یحیی خان محمد آذری، تهران: ۱۳۷۳.
- ۱۶- مجتهدی، مهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطه، تهران: بی‌جا، ۱۳۲۷.
- ۱۷- مسعودیه، محمدتقی، موسیقی مذهبی ایران، جلد اول، موسیقی تعزیه، تهران: سروش، ۱۳۶۷.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۵۹.
- ۱۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۲۰- نیر تبریزی، محمدتقی، آتشکده نیر، تبریز، کتابخانه فردوسی، ۱۳۶۲.
- ۲۱- نیر تبریزی، محمدتقی، لالی منظوم، تبریز: چاپ سنگی، بی‌تا.
- ۲۲- یحوی، تاج‌الشعرا اردبیلی، دیوان بساط کربلا، جلد اول، اردبیل: چاپ سنگی، بی‌تا.
- ۱- افتخارزاده، محمودرضا، اسلام و ایران، مذهب و ملیت ایرانی، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۷۷.
- ۲- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران قرن‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، ج ۵، تهران: زوار، ۱۳۷۱.
- ۳- بلوکباشی، علی، تعزیه‌خوانی، حدیث قدسی مصایب در نمایش آئینی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- ۴- تبریزی، محمد بن مسعود ابوالمجد، سفینه تبریز، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ۵- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۵.
- ۶- جوهری، سید عباس، کلیات هفت جلدی خزائن‌الاشعار در توحید و مناقب و... نوحه‌های سینه‌زنی، تهران: کتابفروشی، ۱۳۳۲.
- ۷- راجی تبریزی، میرزا ابوالحسن، دیوان راجی، تهران: کتابفروشی ادبیه، ۱۳۴۰.
- ۸- رضایی، محمد، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم: مؤسسه‌ی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
- ۹- صامت بروجردی، محمدباقر، کلیات دوازده جلدی، تهران: بی‌تا.
- ۱۰- صراف تبریزی، رضا، دیوان صراف، تصحیح، ویرایش، مقدمه، مصطفی قلیزاده علیار، تبریز، ۱۳۸۳.